



Louis Althusser

On the Reproduction of Capitalism: Ideology and Ideological State Apparatuses

Verso, London, 2013. 288pp., £19.99 pb

[ISBN 9781781681640](https://www.versobooks.com/books/1171-on-the-reproduction-of-capitalism)

Reviewed by Ian Jakobi

<http://marxandphilosophy.org.uk/reviewofbooks/reviews/2015/1812>

باز تولید کاپیتالیسم: ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت

لویی آلتوسر

ورسو، لندن، 2013، 288ص. 19/99 لیره

ISBN 9781781681640

مرور کننده: ایان جاکوبی

بیش از چهل سال از انتشار شتابزده‌ی تأثیرگذارترین و پرخواننده‌ترین رساله‌ی لویی آلتوسر در مجله‌ی فرانسوی لاپنسه می‌گذرد. یکسال بعد ترجمه‌ی انگلیسی همین کتاب در سال 1971 منتشر شد. هدف از این بررسی، عرضه‌ی نظریه‌ی ای در باره‌ی ایدئولوژی و نقش آن در بازتولید فرم‌های اجتماعی کاپیتالیسم به مثابه‌ی بخشی از عرصه‌ی گسترده‌ی تئوری مارکسیستی دولت است. اغلب نقدهایی که بر این رساله نوشته شده از موضع تقلیل‌گرایی سوژه به تأثیر ایدئولوژیکی نگاشته شده که گویا نتیجه‌ی کتاب چیزی نیست جز اینکه، عمل سیاسی انقلابی در غیاب هرگونه سوژه انقلابی رخ می‌دهد. علت اینکه چنین نتیجه‌گیری‌هایی پیش آمده به نظر من عمدتاً به خاطر تلخیص مطالب رساله است. مطالبی که در صورت توضیحات مبسوط و وافی به مقصود به کتابی قطور تبدیل می‌شدند. رابطه‌ی بین مقاله‌ی کوتاه و کتاب مبسوط «در باره‌ی بازتولید کاپیتالیسم» نباید موجب سردرگمی شود زیرا اگر تصور کنیم با مراجعه به کتاب می‌توانیم رساله را بهتر درک کنیم، ممکن است حتماً موجب سردرگمی بیشتر هم بشود. زیرا همین «اثر کامل» خود دستنوشته‌ی ای از مجموعه دو قسمتی است که آلتوسر عنوان «بازتولید روابط تولید» را به آن داده بود و البته بخش دوم آن هیچگاه نوشته نشد. با اینهمه رجوع به این نوشته که حاوی مطالب افزوده از سوی آلتوسر در پاسخ به منتقدان است می‌تواند ابعاد جدیدی از اندیشه‌های او را در خصوص دولت کارکردی روشن نماید.

متن اصلی در باره‌ی بازتولید کاپیتالیسم را می‌توان به مثابه‌ی تلاش آلتوسر برای بازخوانی ماتریالیسم دیالکتیک به حساب آورد. البته ویژگی این تلاش تمرکز بر نقش ایدئولوژی در تولید سوژه‌های است که بطور غیر مستقیم وادار به کار، خرید کالاها و مورد استثمار واقع می‌شوند. در همه‌ی این موارد روند پیوسته‌ی وجود دارد که در آن ماتریالیسم دیالکتیک، به مثابه‌ی علم تاریخ تنها از طریق مطالعه وجه فلسفی آن قابل درک است. علت آغاز رساله در باره‌ی ماهیت بازتولید فرم‌های کاپیتالیسم با سوال «فلسفه چیست؟»، از همین امر ناشی می‌شود. بنابراین ارزش این پرسش در لزوم پاسخ به ضرورت ارائه تئوری انقلابی برای عمل انقلابی نهفته است. اما با خواندن در باره‌ی بازتولید کاپیتالیسم نمی‌توانیم به پاسخی متقن در این خصوص دست پیدا کنیم زیرا پاسخ سوال به قسمت نانوشته‌ی رساله (بخش دوم) ارجاع داده شده است.

برای درک علت تأکید بر ایدئولوژی، در رساله مربوط به بازخوانی ماتریالیسم دیالکتیک، باید با کانتکت تاریخی و سیاسی نوشته‌ی آلتوسر آشنا باشیم. برای مثال وقتی به قیام می‌68 پاریس اشاره می‌کنیم باید در جریان تأثیرات تاریخی و سیاسی برآمدن مانوئیسم و جنگ امپریالیستی آمریکا علیه ویتنام نیز باشیم. آلتوسر با اشاره به وقایع قبلی اروپا با اطمینان اظهار می‌کند که انقلاب اجتماعی

واقعی، نقطه ی پایانی بر استثمار سرمایه داری خواهد گذاشت. شعله ی توفنده ی قیام دانشجویان در سراسر فرانسه نیاز به تفکر در مورد مناسب بودن استراتژی های سنتی انقلابی را عموماً و آموزش به مثابه ی بستر اصلی مبارزه ی سیاسی را خصوصاً، عمومیت بخشید. از دیدگاه آلتوسر و همکاران دانشگاهی اش مثل اتین بالیبار، که مقدمه ی درباره ی بازتولید کاپیتالیسم را نوشت، سیستم آموزشی باید از اساس مورد نقد قرار می گرفت. از اینرو آلتوسر مسئولیت نقد تنوریک آن را عهده دار شد. یکی از علل اینکار که اتفاقاً موجب جدل های آتشین بین گروه شد، این بود که آلتوسر می خواست بین قیام دانشجویی و مبارزه طبقاتی به رهبری کارگران یا حزب کارگری همخوانی ایجاد کند. آلتوسر با قرار دادن وقایع می 68 در پرسپکتیوی مناسب، مبانی بازتولید را که همان مبانی مبارزه طبقاتی و نیز پروسه ی تاریخی است، به خوبی تئوریزه می کند. (220) در اینجا آلتوسر به دو جنبه ی مبارزه ی سیاسی و اقتصادی اشاره می کند و برآمد سیاسی را کوتاه مدت، موقتی، پرسروصدا ارزیابی می کند و در مقابل مبارزه طبقاتی و سیاسی را طولانی و نفس گیر همچون میدان جنگی آرام به حساب می آورد (128) آلتوسر در تحلیل نهایی بر مبارزه اقتصادی به مثابه ی فاکتور تعیین کننده تاکید می کند.

تاکید بر مبارزه طبقاتی و اقتصادی در مباحث مبسوط آلتوسر در خصوص ماهیت تغییرات انقلابی نیز دیده می شود. بحث در خصوص قانون، که اصلاً اشاره ای به آن در مقاله ی پسنی نشده است، لزوم در نظر گرفتن تغییرات انقلابی را و رای چارچوب قانونی موجود مثل مالکیت (ابزار تولید) را مدنظر قرار می دهد. بنا به نظر آلتوسر « ذات همه ی قوانین، در تحلیل نهایی، بورژوایی و مبتنی بر نابرابری است» (61). راه حل پیشنهادی آلتوسر تغییرات عمیق اجتماعی است که بتواند بر استثمار سرمایه داری فایق آید و این امر با تغییر در قوانین بورژوایی حاصل نخواهد شد. آلتوسر با این باور که می توان با تغییر قوانین دولت بورژوایی را به زیر کشید موافق نیست. از نظر وی مسئله در اختیار داشتن قدرت دولتی اصلی ترین مسئله در اهداف انقلاب است (92). این نتیجه گیری از این تر ناشی می شود که قدرت دولتی در دستگاه سرکوبگر و ایدئولوژیک دولت متبلور می شود که تضمین کننده ی بازتولید روابط تولید کاپیتالیستی است. برای تسخیر قدرت دولت در هم شکستن دستگاه دولتی ضرورت دارد زیرا سیستم ایدئولوژیک دولت را با هیچ روش دیگری نمی توان از سرکوبگری بازداشت. به این ترتیب درس حاصل از وقایع می 68 این است که دستگاههای ایدئولوژیک دولت « ابزار و بستر مبارزه طبقاتی هستند» (220) که منعکس کننده ی آنتاگونیسم در قلب فرماسیون اجتماعی کاپیتالیسم هستند.

علاقه ی آلتوسر به کشف اشکال نوین فعالیت سیاسی بدون کنار گذاشتن نقش کامل طبقه کارگر و پایبندی به چارچوب نظری و تاریخی ماتریالیسم دیالکتیک موجب شده تا گروهی وی را (از نظر فلسفی) متهم به استالینیسم کنند. هرچند که در « درباره ی بازتولید کاپیتالیسم» آلتوسر می کوشد فاصله خود را از استالینیسم حفظ کند اما با تاکید بر نیروهای مولد، ونادیده گرفتن مسائل مربوط به روابط تولید چگونگی ممانعت از بازتولید سرمایه داری و تداوم استثمار، نمی تواند از این دام برهد. بحث بر سر عملکرد تئوری در ترم های ایدئولوژیکی که از جانب نظریه پردازانی چون اسلاوی ژیزک و بالیبار، تحت تاثیر مستقیم آلتوسر تداوم یافته کمابیش از چارچوب آلتوسری فراتر رفته اند. بنابراین نمی توان با قاطعیت گفت که در آینده میراث آلتوسری در این حوزه تا کجا تسری خواهد یافت. در ضمن احساس من این است که انتشار این دست نوشته قدری دیر هنگام شده است. دلیل برای این ادعا اعتراض دانشجویان انگلستان به افزایش شهریه از سوی دولت ائتلافی است که در سال 2010 مشابه می 68 در مقیاسی کوچکتر رخ داد و مجدداً این پرسش را پیش کشید که چرا آغاز کننده ی اعتراضات به جای طبقه ی کارگر باز هم دانشجویان بودند؟ و این مسئله تا چه حد نقش اتحادیه ها را حاشیه ای خواهد کرد؟ به نظر من پیشنهاد درباره ی بازتولید کاپیتالیسم این خواهد بود که لازم است باردیگر بر موضوع قدرت دولت تمرکز کنیم. گرچه آلتوسر اذعان می کند که ما هنوز هم واقعاً « مدیون نظریه ی مارکسیستی دولت هستیم» (71) اما سوال اصلی در حال حاضر چگونگی نقد دولت است. در باره ی بازتولید کاپیتالیسم ضمن اینکه زمینه بحث در باره ی دولت را فراختر کرده، همچنین مقدمه ای ارزشمند بر کارهای قبلی است که راه طولانی پیش رو را هموارتر می کند.